

حضرت امیر المؤمنین علی:
زمانی که مستحبات به واجبات زبان بزند
مستحبات را راه نکند.

آذان ظهر: ۱۳:۰۱ غروب آفتاب: ۱۸:۵۸
آذان مغرب: ۱۹:۱۸ نیمه شب شرعی: ۲۳:۲۲
آذان صبح فردا: ۲:۲۷ طلوع آفتاب فردا: ۵:۰۳

پدشاهی آهلی: ۸۳۲۱۰۰۰
چاپ: همشهری
تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

پنجشنبه ۱۴ آذرماه ۱۳۹۵ سال سی و دوم شماره ۹۰۹۶

جهش تولید با مشارکت مردم

همشهری

حافظه
در کار گلاب و گل حکیم از این بود
کاین شاهد بازاری وان پرده نشین باشد

صفحه آخر

همشهری: www.hamshahronline.ir
سایت روزنامه: newspaper.hamshahronline.ir

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سید کمال قریشی، شماره ۱۴
کدپستی: ۲۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴
تلفن: ۲۲۰۳۰۰۰، ۲۲۰۳۰۰۱، ۲۲۰۴۰۶۰

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
مدیر روابط: دانیال معمار
مدیر تحریریه: مهدی علویور
مدیران: معنائان سربزین
شهریار فرهنگی: علی عمادی
شاهین امین، حامد فوقانی
پروانه: بهرام نژاد
مدیر فنی: حامد یزدانی
مدیر هنری: مهدی سلامی
مدیر عکس: امیر بهایور

سیاسی و دیپلماتیک:
مدیر: حسین ارچلو
شورنگار:
مدیر: سوسن برادران
دیپلمه طباطبایی
اقتصاد:
مدیر: محسن امین
مدیر: مریم موسی پور
تماشگر:
مدیر: امیر محمد یعقوب پور
مدیر: لیلیا خرسند
ایران شهر:
مدیر: زهرا عباسی

تدریسی:
مدیر: عباسی محمدی
مدیر: مریم سرخوش
سرخ:
مدیر: جواد عزیززی
مدیر: محمد جعفری
دانشگاه:
مدیر: ساسان شادمان
مدیر: زهرا حاجی
سرزمین من:
مدیر: محمد باریکاتی
فرهنگ شهر:
مدیر: علی ترابی

گزارش:
مدیر: سید سعید میر
مدیر: فاطمه عسگری نیا
۴۴ (سینما و تئاتر و تریبون):
مدیر: سعید هروی
مدیر: علیرضا محمودی
روز هفتم:
مدیر: مریم باقر پور
صفحه آخر:
مدیر: جواد نصرتی
طرح و گرافیک:
مدیر: محمد علی حلیمی

خط خطی

معلم ها سر کلاس خیلی حرف می زنند و روزنامه نگارها، قلم و قلمو تر کشی، همین می شود که می خوانند. اینها بزرگی از یادداشت های روزانه یک معلم ساده است و یک روزنامه نگار خط خطی.

آقا معلم، سالاری!

دختر عزیزم! هفته معلم

سیدروس طباطبایی پور
سخت... و چه سنگین... و چه غمگین! همین دیروز توی دفتر معلمها غوغایی به پا بود. آقای میرزایی بذله گو و مرادی بگو بخند هر زنگ تفریح که از کلاس به دفتر مدرسه می آمدند، با پاهای مبارکشان در دفتر باز و بسته می کردند، چون در دستان شان پر از هدیه و گل و بلبل بود و آقای مهربخس سختگیر و بهرام مهر پر تکلیف، در دفتر را مثل همیشه با دستان شان باز و بسته می کردند، چون دست شان خالی و تنها در دل شان پر از گل و بلبل بود و بچه ها به این راحتی آنها را نمی دیدند. البته من که کلا با بدبستان های روز معلم مخالفم و معتقدم عشقی که معلم ها به شاگردان شان می بخشند، تنها با نگاه های عاشقانه بچه ها حین درس و کشف های گاه و بی گاه شان حین انجام تکلیف و حل تمرین جریان خواهد شد و بی!

از سبک روز معلمی پدر مهربانم نیز راضی بودم. یادم هست ما ۳ برادر پرشور را، روز معلم هر سال، توی باغچه خانه به خط می کرد و از پوتنه ز زرد و بلند قیاط، به تعداد معلم های مان، شاخه گل قرض می گرفت و هر سال با دسته های گل رز، خندان و قدم زن، راهی مدرسه می شدیم. یادم هست یک سال من لجن باز بایم را توی یک کشش کردم و زار می زدم که من، برای خانم رجایی گل نمی برم! چون او مرا دوست ندارد و زیاد مشق می دهد و با گوشه چشم به من نگاه نمی کند و مرا «سروش... سروش... صدا نمی زند و چه چه و چه و چه و پدر جانم آن روز آن قدر برام روضه خواند که هر چه دارد از معلم های سختگیر دارد و اگر عاشق شعر است، چون معلم ادبیاتش مجبور می شد که سعه ای و مولوی بخواند و اگر از موتور ماشین سرد می آورد، چون معلم حرفه و فن مجبور می شده که تا کمر توی موتور برود و چه و چه و خلاصه از روضه های پدرم گریه ام بند آمد و تا امروز زیباتر از لیخند خانم رجایی، وقتی شاخه گل را گرفت، چیزی ندیدم. دیروز در دفتر معلمها هدیه بچه های کلاس آقای پور موسوی، خاص و منحصر به فرد بود. همان زنگ تفریح اول وقتی وارد دفتر مدرسه شد خندان بود. رفت گوشه دفتر نشست و بدون توجه به کادوهای ریز و درشت دیگر همکاران، دفتری را باز کرد و آن را با احتیاط ورق زد. کنجکاوای ام فوران کرد و رفتم کنارش و گفتم: «ناصر خان... چیه؟ مشکوک می زنی!» اشک روی چشمانش سر خورد. دفتر چه را با لیخند به دستم داد. روی آن نوشته بود: «آقا معلم، سالاری! از طرف بچه های شما در کلاس هشتم الف»

توی هر صفحه آن دفتر هم، بچه ها هر چه دل تنگ شان می خواست برای پور موسوی نوشته بودند: آقا، کارت درسته... / چند هفته قبل فهمیدم که فیلمی در وسط درس، خوابم، ممنون خدا به روم نیاروی / تو مثل آل بویه، قلب ما را بی صدا تصرف کردی... / ما مغول بودیم و تو خوارم... / به خاطر شما، به تاریخ خوان شدیم...

آن روز، پور موسوی، معلم تاریخ بچه ها، در آسمان ها بود و عشق می کرد که معلم است.

بوی گل، عطر گلاب

۲۰ آذرماه بهشت روز ملی گل محمدی و گلاب است

فاطمه عباسی

سال گذشته بود که ۲۰ آذرماه بهشت به عنوان «روز گل محمدی و گلاب» در ضمیمه تقویم ملی کشور به ثبت رسید. دلیلش هم معلوم واضح است: آذرماه بهشت فصل گلگیری است و سال های زیادی است که کاشان و روستاهای اطراف اش در آذرماه بهشت ماه میزبان گردشگران بی شماری می شود که دلشان می خواهد مراسم گلگیری را از نزدیک تماشا کنند.

در گذشته مردم بیشتر از گلاب استفاده می کردند و در هر خانه ای حداقل یک گلابدان وجود داشت، اما امروزه معمولاً

رقیب خارجی گلاب ایران

گلاب و گلگیری، یکی از ایرانی ترین پدیده های دنیاست: ۵۰۰ سال قبل از میلاد در ایران تولید می شود و هیچ ملتی به اندازه ما، گلاب را در زندگی روزمره اش ننشاند. اما ما تنها گلابهای دنیا نیستیم؛ مصر، سنی دیرینه در تولید گلاب دارد و استفاده از آن به دوران مصر باستان بازمی گردد. برای مصری ها، مصرف گلاب بیشتر بهداشتی و مربوط به سلامت بوده و همین سنت وارد غرب هم شده و استفاده از گلاب در مراقبت های پوستی از قدیم رونق داشته است. گلاب چه به صورت مستقیم و چه به صورت ماده اولیه دیگر محصولات مراقبت پوستی، محصولی شناخته شده در غرب است. گلاب مصر، در میان کشورهای عرب هم شهرت زیادی دارد و سال ها خانه خدا، با استفاده از گلاب مصری شسته شده است، تا اینکه بر اساس توافق ایران و عربستان، در دهه ۲۰ شمسی، گلاب قصر جانشین گلاب مصری شد. از دیگر مصرف کنندگان عمده گلاب هم می توان به مردم در شبه قاره هند اشاره کرد. آمیزی و شیرینی زنی در این کشور، تا حدی به فرهنگ و سنت آمیزی ایرانی نزدیک است و طبیعی است که گلاب در آن نقش داشته باشد. از گلاب در تولید شیرینی های ترکیه ای و عربی هم استفاده فراوانی می شود.

کسی سراغ این مایع پر خاصیت نمی رود، مگر برای پخت ششله زرد و حلوا. اما گلاب خواص زیادی دارد که بد نیست بدانید.

شاید برایتان سؤال شده باشد که چرا در مراسم عزا از گلاب استفاده می شود و گلاب را روی لباس و بدن عزادارها می ریزند اما در مراسم عروسی و وقتی که همه شاد هستیم از آن استفاده نمی کنند؟ دلیلش این است که گلاب غم داشت. ترشح نیدروفین و اندروفین را در مغز متعادل می کند و احساس آرامش و آسودگی به آدم می دهد. شب اگر فکر و خیال های بد یا بی خوابی اعصاب خردکن به سراغتان آمد، کافی است یک پارچه سفید بردارید و رویش گلاب بریزید و بگذارید زیر سرتان و تا صبح مثل یک دسته گل راحت بخوابید.

این مایع خوشبو و معطر تا حدودی تحریک کننده جریان خون بوده و باعث پوست را به تولید سلول های جدید تحریک می کند و باعث کاهش التهابات پوستی می شود. برای همین است که امروزه به مقدار زیادی از اسانس گل رز یا همین گلاب خودمان در محصولات آرایشی و بهداشتی استفاده و با قیمت های نجومی فروخته می شود. به جای اینکه بخواهید برای این محصولات هزینه کنید، می توانید گلاب را روی صورتتان اسپری کنید تا تأثیرش را ببینید.

استفاده از گلاب، روند بیماری از ایزم و فراموشی را به تأخیر می اندازد؛ چرا که مقوی حافظه است و باعث بهبود عملکرد مغز می شود. ضمن اینکه خوردن گلاب برای رفع سردرد و بوی بد دهان مفید است و به بیماران قلبی هم توصیه می شود که گلاب بنوشند.

نوشیدن روزانه یک لیوان دوغ مخلوط با گلبرگ های گل محمدی برای تنظیم کار سیستم هاضمه خصوصاً در روزهای گرم سال، حسابی توصیه می شود. ضمن اینکه گلاب با خاصیت ضد عفونی کننده خود با تولید هیستامین به سیستم ایمنی بدن کمک می کند و عفونت ها را از بین می برد.

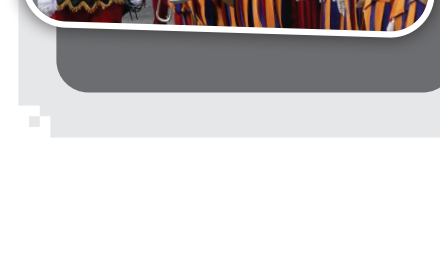
مصرف روزانه یک لیوان ترکیب آب و گلاب به طور شگفت انگیز برای بیماری کبد چرب مفید است. گلاب علاوه بر رفع و کاهش چربی کبد از پیشرفت آن نیز جلوگیری می کند. بسیاری از پزشکان قبل از تجویز داروهای شیمیایی، این



عکس خانه

سربازان جدید گارد سوئیس

نیروهای جدید گارد سوئیس در یک مراسم رسمی، سوگند یاد می کنند. این گارد که چند صد سال مسؤل حفاظت از پاپ است، همچنان به روش های قدیمی و سختگیرانه خود برای جذب نیرو پایبند است. سربازان جدید، در مراسم سوگند، با پاپ و جانشینان او بیعت می کنند. این مراسم، یادبودی بر یکی از روزهای تاریخی این گارد معروف است؛ در سال ۱۵۲۷ میلادی، ۱۴۷ نفر از اعضای این گارد، در راه دفاع از پاپ وقت، جانشان را از دست دادند. آنها از پاپ کلمنت هفتم در مقابل ارتش امپراتور شارل دفاع می کردند. از آن سال، این گارد به این روز اهمیت زیادی می دهد و مراسم سوگند سربازان جدید، در این روز برگزار می شود.



عکس روز دهه کرامت

هنرمندان و خادمان حرمین شریف امام رضاع (ع) و حضرت معصومه (س)، فضاهای عمومی و صحن های این دو حرم مطهر را برای دهه کرامت آماده کرده اند. در هر دو حرم شریف، برنامه های متنوعی برای پذیرایی از زائران و بزرگداشت دهه کرامت در نظر گرفته شده است. عکس ها: دفاع پرس



خوش خبر

فرشته هایی که بال ندارند

کمتر معلمی است که تنها به اینکه برود سر کلاس و چند ساعتی تدریس کند، اکتفا کند. معلمی برای خیلی از معلم ها دیگر فقط یک شغل نیست؛ آنها خودشان را در مقابل تک تک بچه هایی که سر کلاسشان می نشینند، مسؤل می دانند و بهشان درس زندگی می دهند. در مناطق دورافتاده و صعب العبور و البته محروم، معلم ها شش رایت سخت تری دارند. اما باز هم حواسشان به تک تک بچه ها هست؛ مثل معلمی که یک روز تمام در راه است تا به مدرسه برسد و بخش زیادی از راه کوهستانی را هم با پای پیاده طی می کند یا معلمی که از جیب خودش هزینه می کند تا برای بخاری کانکسی که به عنوان کلاس درس استفاده می شود، نفت تهیه کند تا بچه ها در سرما نمانند. چند روز پیش هم فیلمی از یک معلم بخاری در فضای مجازی وایرال شد که برای نجات دانش آموزانش به دل سیلاب زد. این معلم فداکار چندین بار عرض رودخانه را طی کرد و بچه ها را یکی یکی به آن سوی رودخانه برد. دست مریزاد به این فرشته های روی زمین.



سلسله مهربانی

با همسا بهای یک صندوق وام ماهانه داشتند و این بار قرعه به نام او در آمده بود؛ برای همین هم بی معطلی به ستاد دبه کشور رفت تا باعث و بانی آزادی یک زندانی باشد. اینکه چرا ستاد د به را انتخاب کرده داستان جالبی دارد که مدیر نمایندگی ستاد د به استان اردبیل روایت کرده است: «مشغول انجام کارهای روزانه بودم که خانم میانسالی وارد اتاق شد و گفت: می خواهم برای آزادی زندانبان جرائم غیر عمد کمک کنم. می گفت: تازه یک سال بود که عروسی کرده بودیم. شوهرم راننده ماشین سنگین بود و کم کم داشتیم به زندگی مان سرسوسا مان می دادیم که با یک عابر پیاده تصادف کرد و به علت ناتوانی در پرداخت د به به زندان افتاد. من ماندم و یک بچه شش روزه و یک خانه اجاره ای بدون هیچ اندوخته و در آمدی! خیلی سختی کشیدم، سراغ هر کسی برای کمک می رفتم برام عذر و بهانه می آورد تا اینکه بعد از مدتی برونده همسرم به ستاد د به ارسال شد و با کمک این نهاد حمایتی همسرم پس از ماه ها حضور در بند آزاد شد. حالا آمده ام با این بول یک زندانی غیر عمد را آزاد کنم تا به خانواده های کمک کرده باشم.»



حال خوش زمین

حال زمین که خوب باشد، حال ما آدم ها هم رو به راه می شود؛ زمینی که سال هاست با رفتار و سبک زندگی غلط بعضی از ما، زخم به جانش افتاده و حالا گلوی همیشه به آلودگی هوا نشسته است، از خشکی اش و کمتر شدن سرسبزی اش می توان فهمید بیمار است و نیاز به بیمار دارد. برای همین هم چند خبر خوش از محیط زیست داریم که می تواند آنها را با که به زمینشان اهمیت می دهند و دوستدار محیط زیست هستند خوشحال کند؛ اینکه تر از آبی در پارچه ارزومیه ۵ اسانتری متر بیشتر شده و جان گرفته است یا اینکه در منطقه حفاظت شده سیز کو به یک پلنگ اصیل ایرانی رویت شده است. همچنین فیلمی گویای مهاجر هم در این فصل بهار مهمان آبیگرهای خراسان شمالی شده اند و دیگر اینکه جریمه شکار غیر مجاز حیات وحش ۴ برابر شده است تا دیگر کسی جرأت شکار کردن حیوانات نداشتند و همینطور عضو جدیدی به آراس گوزن زد ایرانی که در خطر انقراض بودند، اضافه شده است؛ ضمن اینکه هوای بسیاری از استان های کشور این روزها بارانی است و می توان امیدوار بود با این بارش ها تابستان امسال درگیر خشکسالی و کمبود آب نشویم.

